



بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم ارومیه در استادیوم تختی - 27 شهریور / 1375

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم محمد و علي آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين. سيما بقيّة الله في الارضين.

خدای متعال را سپاسگزارم که همان طور که بعد از جنگ تحمیلی، در اولین فرصت، به این استان شهید پرور و به دیدار شما مردم عزیز آمدم و توفیق ملاقات با شما عزیزان را پیدا کردم، حالا هم بار دیگر این توفیق پیدا شد که با شما، در این استان تاریخی سر بلند خوش سابقه فداکار، ملاقات کنم.

اولاً لازم است از استقبال پرشور و صمیمانه شما مردم ارومیه و دیگر شهرهایی که زحمت کشیدید و از راههای دور و نزدیک، برای این مراسم استقبال محبت آمیز، به ارومیه آمدید، تشکر کنم و آن چنان که من در خیابانهای شهر، مشاهده کردم، اگر بعضی از برادران یا خواهران، به خاطر ازدحام جمعیت، دچار ناراحتی و فشار جسمی شدند، از آنها عذر خواهی کنم. خداوند به همه شما مردم مؤمن و صمیمی و فداکار، لطف و رحمت خودش را نازل کند.

مایلم نگاه کوتاهی به گذشته و امروز و آینده این استان بیندازم. از لحاظ مردم این استان، چیزی که من می توانم بگویم، این است که مردم استان آذربایجان غربی یعنی این بخشی که در تقسیمات کشوری ما، امروز به نام آذربایجان غربی شناخته می شود - در گذشته تاریخ - یعنی در همین دوران نزدیک به زمان ما - بعد از مشروطه تا امروز، در قضایای مختلفی، امتحانهای بسیار خوبی داده اند. آخرین امتحان، در جنگ تحمیلی بود که این استان، با شهدای بزرگش، با رزمندگان و سردارانش، با شهید باکری پر افتخار و سربلندش و مرد و زن پشتیبان و شجاعش، بهترین امتحانها را داد. قبل از دوران جنگ تحمیلی هم که هنوز در اغلب استانهای کشور، هیچ خبری از جنگ و درگیری و زد و خورد نبود، این استان در گیر مبارزه با ضد انقلاب و فتنه جویان و تحریک شدگان بود. آن جا هم مردم این استان امتحان خوبی دادند. هم مردم ترک، هم مردم کرد توانستند بهترین موضع را در مقابل فتنه جویان و فتنه گران و ضد انقلاب اتخاذ کنند. اگر کسی قبل از این دوران؛ یعنی تاریخ نزدیک به زمان ما را هم خوانده باشد و مطالعه کند، خواهددید که باز هم مردم این استان پر افتخار، در دوران تهاجم قدرتهای بیگانه به این کشور، یعنی در دوران جنگ بین الملل اول - که از جمله نکات بسیار مهم همین نقطه است؛ آن هم بخصوص در این استان - بهترین امتحانها را دادند. یعنی تجربه ای که این استان، در قضایای اواسط جنگ بین الملل اول دید و از سر گذراند، یکی از قضایایی است که در سایر نقاط ایران، اصلاً سابقه ندارد.

شما جوانان - بخصوص - باید روی این نکته توجه کنید و در نوشته های مورخین و گزارشگران مسائل ایران، باید این نکته بیاید؛ که متأسفانه خیلی کم رنگ است یا نیست. آن نکته این است که در جنگ بین الملل اول، نمایندگان دو، سه کشور از کشورهای مسیحی دنیا، در این حول و حوش حضور ضعیفی داشتند. نمایندگان روسها، انگلیسیها و آمریکاییها هم در این استان حضور داشتند. به چه اسمی؟ به اسم معلّم، به اسم پزشک و از این قبیل. درست توجه کنید! با این که این کشورها در سیاستهای مختلف، به شدت با یکدیگر معارضة و دشمنی داشتند، اما در این نقطه از دنیا، ناگهان به فکر افتادند که به کمک یکدیگر، یک پایگاه استعماری به مرکزیت همین منطقه ارومیه و خوی و ماکو و به وجود آورند. یعنی شبیه آن چیزی که بعدها در فلسطین اشغالی به وجود آمد. منتها آن جا به اسم یهودی گری، این جا به اسم مسیحیت!

مردم این استان سالهای متمادی، در کنار جمعی از هم میهنان مسیحی ما زندگی می کردند؛ امروز هم زندگی می کنند؛ در آینده هم زندگی خواهند کرد - مثل برادر و خویشاوند - با هم هیچ مشکلی هم، نه آن روز داشتند، نه امروز دارند و نه در آینده خواهند داشت. یعنی در این استان، تعدادی از هم میهنان ایرانی ما، از آشوری و ارمنی و



مسیحیان کاتولیک و پروتستان، حضور دارند؛ آن روز هم بودند. مسلمانان هم با آنها دوستانه، آنها هم با مسلمانان برادرانه و دوستانه رفتار می کردند. بین آنها هیچ مشکلی وجود نداشت. اما نکته عبرت آموز این است که نمایندگان کشورهای خارجی و استعمارگر، چون دیدند تعدادی مسیحی در این استان وجود دارد، به طمع افتادند که شاید بتوانند با تحریکات مذهبی و فرقه ای و دینی، پایگاهی از مسیحیت در این بخش از ایران به وجود آورند و این بخش را از ایران جدا کنند.

یکی از امتحانهای سخت برای این استان - یعنی برای ارومیه، سلماس، خوی، ماکو و شهرهای دیگر این منطقه - پیش آمد. در همان برهه از زمان و تاریخ بود که نمایندگان دولت آمریکا، دولت روسیه تزاری و دولت انگلیس، در این نقطه، توطئه مشترکی را طراحی کردند و فتنه عجیبی به راه انداختند. هزاران نفر از مسلمانان و مسیحیان، در این فتنه، در همین ارومیه و سلماس و بقیه نقاط کشته شدند. من وقتی آنچه را که بر این استان و بر این شهرها در آن برهه گذشته است، به یاد می آورم، قلبم متلاطم می شود. کاری کردند که مورخ می نویسد: «در اطراف سلماس، دیگر هیچ آبادی ای باقی نماند. هزاران نفر در ارومیه کشته شدند. با مردم این منطقه کاری کردند که وقتی عثمانیهای متجاوز وارد مرزهای ایران و وارد ارومیه و خوی شدند، مردم از آنها استقبال کردند!» البته خود آنها هم که آمدند، بعد ظلم و جور زیادی کردند تا بیرون رانده شدند. اما ببینید بر اثر تحریک اروپاییها و آمریکاییها، زیر نامهای موجّه - به اسم کمک به مردم، به اسم پزشکی و بیمارستان و مدرسه و امثال آن - آن روز چه بر سر مردم آورده بودند که مردم، از عثمانیهای متجاوز، با آغوش باز استقبال کردند!

اما مردم این منطقه، با این که خیلی سختیها دیدند و با وجود تحریکات دشمنان، توانستند اولاً با شجاعت و با مقاومت و ایستادگی، دشمنان را بیرون کنند، ثانیاً - و از این بالاتر - همان برادری گذشته را، باز هم در بین خودشان برقرار کردند. گروههای مسلمانان با یکدیگر متحد شدند و تحت تأثیر تحریک دشمن قرار نگرفتند و جنگ شیعه و سنی، جنگ ترک و کرد، جنگ مسلمان و مسیحی به راه نینداختند. این رشد مردم این استان را نشان می دهد. من همیشه در دلم، این رشد مردم استان را تحسین کرده ام. این یکی از سوابق مردم این استان است.

بعد از انقلاب هم شما شاهد بودید و دیدید کسی که در مقابل توطئه دشمن، ایستادگی و مقاومت کرد، خود مردم بودند. بسیج مردم، جوانان مؤمن مردم، در مقابل فتنه گری و اختلاف افکنی و تحریکات و تجزیه طلبی و خباثنهای گوناگون بیگانگان، که با تحریک یک عده آدمهای غافل انجام می گرفت، ایستادند و مبارزه کردند. این عظمت و رشد روحی مردم است و این خیلی با قیمت و ارزشمند است. از لحاظ طبیعی هم این استان، یکی از استانهای با برکت کشور پهناور و عزیز ماست.

خدای متعال در این استان، امکانات بسیاری را برای استفاده مردم و احیای نیروی خلاقه مردم قرار داده است. خاک حاصلخیز، آب فراوان، بارندگی به اندازه و مناسب، جنگل، این دریاچه بسیار پر برکت و با ارزش، معادن زیر زمینی مس، طلا و دیگر معادنی که در این استان وجود دارد. مردمی دارای رشد و با فرهنگ و زمینی آماده. باید در این استان، فقر و بی کاری وجود نداشته باشد. چرا هست؟ زیرا در گذشته - قبل از انقلاب - نسبت به این استان خیلی ظلم و ستم شده است. من آمارها را که نگاه می کردم، دیدم که تعداد فارغ التحصیلان و دانشجویان سطح کارشناسی این استان قبل از انقلاب، یک عدد بسیار کمی است. امروز به فضل پروردگار، از ده و پانزده برابر هم بیشتر است. ظلم بزرگ آن روز به این مردم، همین بود. جوانان این استان امکان تحصیل نداشتند. صنعتگر و انگشتان با مهارت و با استعدادش، امکان کار صنعتی نداشت. کشاورز که تولید میوه یا غلات می کرد، امکان بهره برداری بهینه از این محصول را نداشت.

بعد از انقلاب کارهای زیادی در این استان شده است. من آمارها را که دیدم، خدا را شکر کردم که دولت خدمتگزار، در سالهای بعد از انقلاب، توانسته است در بخشهای مختلف، کارهای زیادی انجام دهد. اما در عین حال آنچه که



انجام شده است، کمتر از آن کارهایی است که باید بعد از این انجام گیرد.

کشور ما کشوری است که امکانات کار در آن زیاد است. در همه استانها وقتی که نگاه می‌کنیم، ویژگیهایی وجود دارد که بعضاً مخصوص آن استان بخصوص است. استان شما هم از این ویژگیها دارد. تعداد زیاد جوان و نوجوان در این استان، یک نقطه قوت است. اینها کسانی هستند که می‌توانند نیروهای کار را برای آینده، هم برای این استان، هم برای سطح کشور، برای کارهای فرهنگی، اقتصادی، سازندگی، معنوی و مادی، تأمین کنند. نیروی جوان، نیروی با ارزشی است.

خدا را شکر می‌کنیم که مسؤولین دولتی و دولت خدمتگزار در زمینه سازندگی، به کارهای جدی مشغول شده است. شما امروز هر جای کشور را نگاه کنید، آثار سازندگی مشهود است. هم سازندگی ویرانیهای جنگ و هم از آن بالاتر، سازندگی نسبت به کوتاهیها و ویرانیها و خراب کردنهای دوران قبل از انقلاب؛ یعنی دوران حکومت طاغوت.

سازندگی در این استان هم شروع شده و کارهای زیادی انجام گرفته است. اما باید مردم همت کنند، مسؤولین دولتی کمک کنند تا این استان آباد، این استان با استعداد، این استانی که مردم کننده کار و با استعدادی هم دارد، بتواند یک استان نمونه شود. من در گزارشهایی که داده شده است، نگاه کردم و آنچه که به نتیجه رسیدم، این است که در این استان، بیکاری، یک معضل است. رواج قاچاق، یک معضل بزرگ است. یک عده راه قاچاق را که راه بسیار ناسالمی است در پیش گرفته اند؛ هم به مردم و هم به استان ظلم می‌کنند. تولید داخلی را به شکست می‌کشاند. به جای این که به تولید روی آورند و کشور و شهر و استان خودشان را آباد کنند، به کارهای نا سالم و خلاف قانون می‌پردازند که یقیناً جز فساد برای مردم، هیچ اثری ندارد؛ اگر چه برای خود آنها پولهایی باد آورده ای را به ارمغان می‌آورد! این هم یک معضل بزرگ است. معضل فرهنگی هم در این استان، کم و بیش هست.

عزیزان من! دشمنان مایلند که ذهن و فکر و روح جوانان را - که در طول این هفده سال انقلاب، معجزه آفریده است - به وسیله امواج مسموم و خطرناک تلویزیون و رادیو تسخیر کنند. جوانان باید هوشیار باشند. جوانان باید بدانند با آنچه از ویرانی مرزها، به وسیله کسانی که هیچ به سر نوشت این ملت علاقه ندارند، می‌رسد، باید با احتیاط برخورد کرد. نمی‌شود بی قید و شرط، هر چه را که از آن سوی مرزها می‌فرستند - اعم از کالای فرهنگی و همچنین امواج تبلیغی و فرهنگی - پذیرفت. دشمن در کمین است؛ بخصوص در کمین جوانان. شما در این تبلیغاتی که می‌کنند، نگاه کنید! یک کلمه در جهت رشد و ترقی اندیشه مردم حرفی زده نمی‌شود. تبلیغات دشمن در جهت ویرانگری و فاسد کردن است. در جهت معطل کردن نیروی کار و فکر و جسم جوانان است. باید با احتیاط با آن برخورد کرد.

که از امواج فرستاده شده به وسیله دشمنان حرف می‌زنیم؛ از عادات بدی که بین خود ما هم هست، حرف بزنیم؛ من مقیدم که در هر جا احساس می‌کنم نسبت به زنان بی‌اعتنایی یا ظلم می‌شود، تذکر بد هم. این یکی از نکاتی است که اسلام بر روی آن خیلی توجه دارد. آن طور که شنیده ام، در بعضی از بخشهای این استان، بخصوص در مناطق کردی، نسبت به زنان، در خانه شوهر و در محیط زندگی، اهانت و بی‌احترامی انجام می‌گیرد. حتی گاهی میراث آنها را - که حق آنهاست - نمی‌دهند! یعنی حتی نزدیکان هم به زنان ستم می‌کنند و حق آنها را نادیده می‌گیرند! اراده و خواست زنان در مسائل مربوط به ازدواج ندیده گرفته می‌شود. اینها همه بر خلاف اسلام است. در اسلام، از داخل خانه تا محیط کسب، از محیط زندگی و معاشرت تا سطح کشور و تا سطح جهان، همه جا عدالت مطرح است.

یک جمله هم در این استان، درباره این همزیستی ای که میان برادران و خواهران اقوام مختلف هست، بگویم که برای من بسیار اعجاب انگیز و تحسین برانگیز است. در این استان، ترک و کرد و شیعه و سنی، در کنار هم با مهربانی زندگی می‌کنند. این چیز بسیار با ارزشی است. یکی از چیزهایی که هنگام پیروزی انقلاب، دشمنان خارجی را نسبت به شکست انقلاب امیدوار می‌کرد، مسأله تعدد اقوام، در سرزمین پهناور ما بود. ترک، عرب، فارس، کرد، لر،



بلوچ و ترکمن؛ اقوام مختلف. دشمن امیدوار بود که بتواند از این اختلاف، بهره برداری کند؛ اینها را به جان هم بیندازد. شما هر جا نگاه می کنید، تبلیغات قوم گرایی و مبالغه در این مسأله را مشاهده می کنید. اگر کاوش کنید، دست دشمن را در آن جا خواهید دید. دشمن این را می خواست؛ اما غافل بود که ملت ایران پیش از همه چیز، ایرانی است. ترک و فارس و کرد و عرب و بقیه اقوام ایرانی، افتخار می کنند که فرزند «ایران اسلامی» هستند که پرچم اسلام را در دنیا بر افراشته است.

دشمنان مدتی در این استان آمدند؛ به وسیله عناصری فتنه گری کردند تا شاید بتوانند مردم کرد ما را - که هم میهن ما هستند، مثل بقیه هم میهنان - تحت تأثیر قرار دهند. البته مردم این استان جوابشان را دادند. خود کردها جواب فتنه گرها را دادند و به دهن آنها زدند.

به فضل پروردگار، حيله دشمن در این استان نگرفت. نتوانستند مردم کرد را دور شعارهای خودشان جمع کنند. البته در همه جا یک عده فریب خورده هستند. یک عده هم خائن و تحریک کننده آنها هستند. امروز هم همان خائنین یا فریب خورده ها، در آن طرف مرزهای این کشور، جیره خوار دشمنان بدخواه این مردمنند. شما ببینید امروز در کردستان عراق چه می گذرد! خود مردم کرد، به تحریک صدام و رژیم عراق و با چراغ سبز آمریکاییها، به جان هم افتاده و خون یکدیگر را می ریزند! آن کسانی که می خواستند مردم را از هم جدا کنند، اسم کرد و ترک و اقوام مختلف را، جدا جدا می آورند. برای این استان و استانهای دیگر این منطقه، همان وضعیتی را می خواستند که امروز بر استان کردستان عراق حاکم است. می خواستند خون مردم، در صحنه های جنگ برادر کشی، ریخته شود و مردم را بدبخت کنند.

امروز به فضل پروردگار، در زیر سایه نظام عزیز و پر افتخار اسلامی - که امروز نظام اسلامی در دنیا، یکی از سرفرازترین نظامهاست - و در زیر این پرچم به اهتزاز در آمده ای که ملتها و دولتها، با عظمت به آن نگاه می کنند، همه گروهها و اقوام ایرانی، دست در دست یکدیگر زندگی می کنند و قدر این حکومت، این نظام و این عزت را می دانند.

روزی بود که مردم دنیا، اگر از ایران خبری داشتند، به خاطر داستانهای افسانه وار و ولخرجیهای فساد آمیز دستگاه حکومت خائن پادشاهی بود! از این طریق اسم ایران را می شنیدند. در ولخرجیها و قماربازیهایشان در کازینوهای معروف دنیا، از ایران اسم می آوردند؛ به مناسبت این که پادشاهان و حکمرانان این کشور و این ملت مظلوم، اموال این ملت را به آن جاها می بردند و می باختند و بر می گشتند!

امروز در دنیا، نام اسلام را با عنوان شجاعت و عدالت خواهی و ظلم ستیزی می شناسند. امروز بحمدالله وضع شما ملت ایران، به خاطر شجاعتها و به خاطر ایستادگی و نشان دادن شخصیت و عزتتان، طوری شده است که اگر کسانی بخواهند با سلطه های مستکبر دنیا پنجه در بیندازند، به شما نگاه می کنند؛ از شما یاد می گیرند و تقلید می کنند.

امروز نام ایران به عنوان مرکزی برای ایستادگی در مقابل افزون خواهی و زیاده طلبی استکبار جهانی، شناخته می شود. ملت ایران، ملتی است که دولتتش را از خود می داند. خودش سر کار آورده است و از دولت و مسؤولین خود حمایت می کند. این جا میان مردم و دولت، مسؤولین و مردم، پیوند مستحکمی است. این خصوصیت این کشور و این ملت است. برای همین است که من برای چندمین بار تکرار می کنم که قدرت استکبارگر آمریکا و ایادی مزدور و اجیر او - که به وسیله تبلیغات و تلاشهای سیاسی و کارهای اقتصادی و فرهنگی، سعی می کنند این ملت را از اصول و ارزشهای خودش دور کنند - باید بدانند که این ملت، با تمسک به اسلام، با چشیدن مزه استقلال و احساس عزتی که از ایستادگی در مقابل دشمنان گردن کلفت خود می کند و در برابر توطئه و تهدیدهای آمریکا و ایادیش و در

مقابل خلاف کاریهای بعضی از مجامع جهانی، با کمال قدرت می ایستد. در نهایت، آن کسی که از میدان بیرون خواهد رفت، دشمنان ملت ایرانند نه ملت ایران!



خدا را سپاس می‌گوییم و جبهه شکر و سپاس در مقابل پروردگار بر خاک می‌ساییم. اگر ملت و دولت ایران قوی، عزیز و امیدوار است، این لطف خدا و کمک الهی است.

پروردگارا! شاهد باش که ما این نعمتهای فراوان را از تو می‌دانیم. ما به خودمان مغرور نمی‌شویم. ما به تو تکیه می‌کنیم؛ از تو کمک می‌خواهیم و به تو امید می‌ورزیم. در مقابل تو سر تعظیم فرو می‌آوریم و می‌دانیم تو به ما کمک خواهی کرد. این ملت شایسته کمک و سزاوار رحمت الهی است. ملتی که زن و مردش، در راه خدا، این قدر صادقانه تلاش می‌کند.

امروز ملت، در چهار گوشه ایران - در همه جای این کشور بزرگ - افتخار می‌کند به این که در زیر سایه اسلام و با عزت اسلام زندگی می‌کند. حتی کسانی که در این کشور متدین به اسلام نیستند - پیروان اقلیتهای دینی، مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان؛ پیروان ادیان الهی - آنها هم افتخار می‌کنند که همه آحاد ملت، در زیر سایه این نظام اسلامی و الهی‌برادروار و با محبت، با یکدیگر زندگی می‌کنند - رحماء بینهم - اما همه در مقابل دشمن متجاوز، زورگو و بدخواه، با کمال سر بلندی و افتخار می‌ایستند - اشداء علی الکفار - این است معنای «اشداء علی الکفار». به متجاوز امان نمی‌دهند؛ اما در میان خود برادرانه رفتار می‌کنند.

شما کجای دنیا سراغ دارید؟! همین اروپایی که دم از آزادی و حقوق بشر می‌زند؛ همین آمریکایی که خود را مرکز همزیستی می‌داند، هنوز که هنوز است، اختلافات نژادی در میانشان بیداد می‌کند. در کشورهای اروپایی، جوانان پیرو ناسیونالیسمهای افراطی، در کوچه و خیابان، به جان دیگران می‌افتند؛ آنها را در روز روشن کتک می‌زنند، یا حتی نابود می‌کنند. در آمریکا، سیاه و سفید، حتی پیروان ادیان مختلف، از جمله مسلمانان، با این که تعدادشان در آمریکا زیاد است، آرامش و امنیتی را که اقلیتهای دینی در این کشور - ایران - دارند، به هیچ وجه ندارند. تا اندک چیزی می‌شود، مجلات علیه مسلمانان و اسلام حرف می‌زنند. مسلمانان، اهل هر جا که هستند، بیچاره‌ها تنشان می‌لرزد. شما در کجای دنیا مشاهده می‌کنید که برادران، مثل این جا در کنار هم، با مهربانی و با همزیستی زندگی کنند!؟

عزیزان من! این حالت را حفظ کنید. مواظب دشمن باشید. دشمن سعی می‌کند این همبستگی ملی را، این وحدتی را که در سرتاسر این کشور گسترده است، به شکلهای مختلف به هم بزند. مراقب دشمن باشید، دشمن فتنه‌انگیز است. ملت ایران با رشد کامل، پشت سر مسؤولین و با کمک آنان راه خود را می‌رود. آینده این کشور و این ملت، آینده روشنی است. به فضل پروردگار ایران فردا، با استعدادهای ظهور یافته و شکفته شده و ان شاءالله با پیشرفت حیرت آور و خیره کننده‌ای در چشم ملت‌های عالم، ایرانی آباد است.

امیدواریم استان شما و شهرهای این استان هم، در این مسابقه سازندگی - که بحمدالله امروز در این کشور به راه افتاده است - بتوانند جلوتر از دیگران حرکت کنند. کارهای زیادی باید انجام گیرد. امروز بحمدالله دولت خدمتگزار، کار سازندگی را انجام می‌دهد. برادرانی که در این سفر همراه ما هستند - از وزرا یا دیگر مسؤولین دولتی و بخش‌های انقلابی - گوشه و کناره‌های کارهای این استان را زیر نظر قرار می‌دهند و مطالعه می‌کنند. ان شاءالله هیأتها به همه شهرها خواهند رفت و با مردم عزیزمان در شهرهای مختلف، از نزدیک دیدار خواهند کرد. امیدواریم برادرانی که همراه ما هستند، بتوانند مشکلات را با ریزبینی و دقت ببینند و همت شود تا ان شاءالله این مشکلات، در زمان خود، با کمک و همراهی شما مردم، با دستهای کارآمد و فعالی که بحمدالله شما مردم از آنها برخوردارید، به شکل مناسبی بر طرف گردد.

امیدوارم خداوند لطف و فضل خود را شامل حال شما کند و شما را مشمول ادعیه زاکیه حضرت بقیةالله ارواحنا فداء قرار دهد و علمای محترم و عزیز این استان را در وظایف و فعالیتهای خودشان موفق بدارد و هر یک از بخش‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی را در کارهای مخصوص خودشان توفیق دهد، تا همه بتوانند ان شاءالله دست در دست



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

یکدیگر، کارهای مهمی را که بر عهده دارند، انجام دهند.
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته